

تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه‌های نظریه اقتصاد مقاومتی آیت‌الله خامنه‌ای با محوریت قاعده نفی سبیل

حمید قنبری *

غلامرضا عالی‌خانی **

مهدی شوشتری ***

چکیده

قاعده نفی سبیل متضمن عزت و استقلال و خودکفایی مؤمنین در برابر کفار است و اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است خوداتکا، مستحکم و قوی در برابر تکانه‌های اقتصادی جهان؛ پژوهش پیش رو با شیوه توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تبیین فرمایشات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره اقتصاد مقاومتی، پس از تبیین مفاهیم پژوهش از جمله، قاعده نفی سبیل و مستندات آن از قرآن، روایات، عقل و اجماع فقها و بیان برخی مصادیق آن، همچنین تعریف مفهوم اقتصاد مقاومتی، به تطبیق مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با قاعده نفی سبیل پرداخته است. طبق قاعده نفی سبیل، بهبود شاخص‌های اقتصادی جامعه مؤمنین و توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا از ضروریات جامعه و حکومت اسلامی است، تکیه بر توان داخلی از پایه‌های اصلی قاعده نفی سبیل بوده، داشتن روحیه جهادی برای فائق آمدن بر مشکلات

* استادیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ghanbari1342@chmail.ir)

** کارشناس ارشد فقه و حقوق دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (نویسنده مسئول: gh.alikhani.72@gmail.com)

*** استادیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (mahdishoshtari@chmail.ir)

اقتصاد مقاومتی و مصداق قاعده نفی سبیل است، مردمی بودن اقتصاد مقاومتی مستفاد از آیه نفی سبیل بوده و تأمین اقلام ضروری جامعه در اقتصاد مقاومتی اولویت دارد و کاهش وابستگی به نفت در بودجه‌های جاری کشورهای اسلامی به دلیل استعماری بودن فرایندهای موجود در بازار آن از لوازم اقتصاد مقاومتی و قاعده نفی سبیل است. اصلاح الگوی مصرف هم می‌تواند موجبات نفی سبیل کفار را فراهم نموده و هم از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است، فساد ستیزی و دانش محوری نیز علاوه بر اینکه از لوازم اجرای اقتصاد مقاومتی است، می‌تواند عزت و اقتدار جامعه مؤمنین را در برابر کفار فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: نفی سبیل، اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، قاعده فقهی.

طرح مسئله:

اسلام مکتبی انسان‌ساز است. انسان نیز دارای حیات مادی و معنوی است. بهروزی حیات مادی انسان، نیاز به وجود نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های الهی دارد. عدم توجه به نظام‌سازی اقتصادی نه تنها حیات دنیوی انسان را به مخاطره خواهد انداخت، بلکه حیات معنوی او را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار خواهد داد. به‌عنوان نمونه، بر اساس متون دینی ما، خوردن حتی یک لقمه حرام، نسلی را به انحطاط اخلاقی کشانده (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵: ۱۲۴) و در قرآن کریم از موجبات شریک شدن شیطان در اموال و فرزندان شمرده شده است. نفوذ و سلطه اقتصادی از جمله ترفندهای استعمارگران و ایادی کفر در وارد آوردن فشارها و تحریم‌های اقتصادی بوده تا بلکه از این طریق بتوانند نفوذ کرده، بر مؤمنان استیلا یافته و حکومت‌های اسلامی را از پای درآورند. شاید بهترین راهکار در این عرصه، استخراج الگوی اسلامی و نظام‌سازی بنیادی بر اساس تعالیم اسلامی باشد. اصول اساسی و جهت‌گیری‌های کلی مدنظر شریعت اسلامی همچون کرامت انسانی، مبارزه با استکبار و استضعاف، تعالی و رشد عمومی بشریت می‌توانند مبانی تصمیمات و جهت‌گیری‌ها قرار گیرند.

قاعده «نفی سبیل» از جمله قواعد شرعی متضمن عزت و استقلال نظام اسلامی و نیز حافظ اصالت نظام حقوقی (منتهاپی، ۱۳۸۹: ۱۳) بوده که همچون قاعده نفی حرج و لاضرر، قاعده‌ای حاکم بر

احکام و ادله اولیه مانند قاعده سلطنت است، (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۴۵؛ منتهایی، همان: ۱۴؛ ضیا بخش، ۱۳۸۶: ۴۶). بر اساس این قاعده، خداوند متعال در عالم تشریح، راه و نفوذی برای کفار علیه مؤمنین قرار نداده است (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۷۲۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۷).

سیاست اقتصاد مقاومتی یکی از مصادیق این قاعده فقهی بوده که نخستین بار مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان این اصطلاح را مطرح نموده و جهت پیاده‌سازی آن و نیز مقابله با این حربه اقتصادی دشمن، مؤلفه‌های مهم اثرگذار آن را نیز تبیین و تشریح نموده‌اند. مسئله مورد کنکاش این مقاله، تبیین و تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه‌های نظریه اقتصاد مقاومتی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با محوریت قاعده نفی سبیل است که تاکنون نظریه‌پردازی متقنی در این خصوص صورت نگرفته است.

آنچه قبل از هر چیزی می‌تواند الگوی اقتصاد مقاومتی اسلامی را بهتر تشریح سازد، بررسی مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی در قرآن و متون اسلامی است که هدف اصلی پژوهش حاضر به شمار می‌رود. بر این اساس؛ پژوهش پیش رو با تحقیق درباره قاعده نفی سبیل و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و با تأکید بر آیه ۱۴۱ سوره نساء درصدد پاسخ به این سؤال است که قاعده فقهی نفی سبیل چه نقش و جایگاهی در سیاست اقتصاد مقاومتی دارد؟

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث ضرورت دارد به تبیین واژه‌های کلیدی تحقیق پرداخته شود.

۱. نفی سبیل

السبیل - جمع سبیل، أسبیل و أسبله، سبول: در لغت به معنای راه، راه آشکار (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۴۶) چیز مباح و رایگان که بارزترین معنای لغوی آن بوده و به دلیل امتدادش به این نام نامیده شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۲۹) و مجازاً نیز به معنای سبب و انگیزه آمده است (جرّ،

۱. النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ.

۱۳۷۹: ۱۱۶۹) این واژه در قرآن کریم به معانی طریق معنوی، مذمت کردن، طریق و روش زندگی، حجت و عذر، طریق جغرافیایی، عقاب و عذاب^۶ و نیز در مفهوم استیلا و برتری^۷ استعمال گردیده است (طریحی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۳۹۲-۳۹۱).

از واژه سبیل در صورت استعمال با حرف علی، معنای استیلا برداشت می‌شود (مالمیر و محمد دخت، ۱۳۸۷: ۱۸). برخی چون ابن عباس استعمال واژه سبیل در آیه نفی سبیل را نصرت و ظهور دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۶: ۱۰۴) و از نظر برخی دیگر، کلمه سبیل نکره در سیاق نفی بوده و دال بر عموم و شمول دارد (حسینی ترکستانی، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

۲. اقتصاد مقاومتی

واژه اقتصاد در لغت به معنای اعتدال و میانه‌روی است. در قرآن کریم آمده است: «وَ أَقْصِدْ فِي مَسِيكِ؛ در راه رفتن اعتدال بورز» (لقمان: ۱۹)، «وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ ... بر خداست که راه اعتدال را بنمایاند» (نحل: ۹)، «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ... پس بعضی از آن‌ها به خویشتن ستم کردند و بعضی از آن‌ها اعتدال ورزیدند» (فاطر: ۳۲).

مقاومت مصدر از باب مفاعله و نیز مصدر قوام است و از ماده «قام»، به معنای به پا خواستن و پایدار ماندن است و در اصطلاح عبارت است از توانایی مردم، خانوارها، اجتماع، کشورها و سیستم‌ها برای کاهش اثرات شوک‌ها، سازگاری و بهبود شرایط است و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری‌های مداوم و کمک به رشد و توسعه است (اخباری، قلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۷).

۱. وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (بقره: ۱۵۴).

۲. لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِينِ سَبِيلٌ (آل عمران: ۷۵).

۳. هَذِهِ سَبِيلِي (يوسف: ۱۰۸).

۴. مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ (توبه: ۹۱).

۵. فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (كهف: ۶۱).

۶. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ (شوری: ۴۲).

۷. وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)

همچنین واژه مقاومت اشاره دارد به جایگاه مال از دیدگاه اسلام که خاصیت و کارایی مال، مقاومت بخشیدن به تلاش‌ها و حرکت‌های انسان و پیش‌بردن او به سوی مقاصد برتر است، قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را که خداوند قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته، به سفیهان مدهید» (نساء: ۵)؛ بنابراین مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی در لغت عبارت است از ایستادگی و پایداری در برابر چیزی که توازن را برهم زده باشد.

اقتصاد مقاومتی در اصطلاح:

مطابق فرمایش مقام معظم رهبری:

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی نیست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۱۸: ۱۳۹۱: ۲۱۰۷۵). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21075>).

در تعریفی دیگر آمده:

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند روبه‌رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد (آجیلی، ۱۳۹۲: ۹۲).

بنا بر آنچه گفته شد، ایده اقتصاد مقاومتی را باید اقتصادی دانش‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، مردم‌بنیاد و عدالت‌محور معرفی نمود.

تبیین قاعده نفی سبیل

این قاعده از جمله قواعد منصوص ثانویه فقهی بوده، بدان معنی که متن و الفاظ آن برگرفته از ادله به‌ویژه قرآن کریم است که از جمله در آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء ذکر شده است (همچنین

ر.ک: مائده: ۵۷ و ۵۱؛ ممتحنه: ۱؛ آل عمران: ۱۳۹؛ فتح: ۲۹، نساء: ۱۴۴، ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج: ۴: ۳۳۴، موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج: ۱: ۳۵۷؛ حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج: ۲: ۲۱۴).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱).

[منافقان] کسانی هستند که مترصد می‌مانند. پس اگر گشایشی از جانب خداوند به شما برسد، گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟ و اگر برای کافران بهره‌ای باشد، گویند: آیا ما بر شما غالب نشدیم و شما را از [گزند] مؤمنان بازداشتیم؟ پس خداوند در روز قیامت میان شما داوری خواهد کرد و خداوند هرگز برای کافران راهی [بر زیان و غلبه] بر مؤمنان نهناده است. آیه‌ای که در مقام رفع رعب مؤمنان برآمده و به معنای نفی هرگونه تسلط و استیلائی تشریحی و تقنینی کفار بر مسلمین در تمامی زمینه‌ها اعم از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... است. (حسینی ترکستانی، همان: ۲۱۹). «برخی، مفاد این قاعده را مهم‌ترین اصل سیاست خارجی دولت اسلامی می‌دانند» (حقیقت، ۱۳۷۶: ۲۹۹). مفسران و علمای علم نحو حرف «لَنْ» را در مقام نفی ابد می‌دانند فلذا جمله: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ»، مبین حرمت پذیرش استیلا و ولایت ابدی کفار است (حسینی ترکستانی، همان: ۲۱۷).

این قاعده همچون قواعد لاضرر و لا حرج، در تمامی ابواب فقه جریان دارد؛ لذا مفهوم سبیل در آیه این‌گونه است که خداوند تبارک و تعالی در تشریح احکام، حکمی را جعل نکرده است که از ناحیه آن علو و چیره شدن کافران بر مسلمانان، فراهم آید (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ج: ۱: ۱۸۸-۱۸۷).

همچنین اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر این قاعده است (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۲) بر اساس اصل ۱۵۲:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است

و بر اساس اصل ۱۵۳، «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است».

مستندات قاعده

۱. قرآن

فارغ از آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء که به آن اشاره شد که دلیلی قطعی السند بوده (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۳۳۱) و نیز صریح‌ترین آیه در مقام بیان عدم تسلط کفار بر مؤمنین است، این قاعده فقهی را می‌توان از مجموعه آیات زیر نیز استنباط و به آنها استناد نمود:

الف) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَعَلِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مُّؤْمِنِينَ؛ ای اهل ایمان، با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به فسوس و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده‌اید» (مائده: ۵۷). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار مکنید» (ممتحنه: ۱).

و) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند، و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود؛ همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود» (مائده: ۵۱).

باید توجه داشت در کنار کلمه سبیل که محوری‌ترین لفظ آیاتی است که بر نفی سبیل کافر بر مؤمن دلالت دارد (حاجی علی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). دو واژه «تربص» به معنای مکث (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۷: ۳۹)، درنگ و انتظار توأم با مال به قصد گرانی یا ارزانی آن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۳۵)؛ «فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينَ؛ پس چندی بر او انتظار برید» (مؤمنون: ۲) و «استحواذ» به معنای غلبه و تسلط و آن وصفی برای منافقین است به جهت «حفظ رابطه اتصال بین مؤمنین و

کافران» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵: ۱۸۹) نیز «نقش معنایی خاصی» در قاعده مذکور دارند (مالمیر و محمد دخت، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵)؛

«اسْتَحُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْتَسَهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُوْثُكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ إِلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ شيطان بر آنها چیره شده است و نام خدا را از یادشان برده است. ایشان حزب شيطان اند. آگاه باش که حزب شيطان زيان کنندگان اند» (مجادله: ۱۹).

بر اساس معنای خاص تربص، کفار و منافقین همیشه در کمین اقتصادی مؤمنین هستند، هدفشان از مبادلات تجاری با مؤمنین نیز آرزوی گرانی و ارزانی مفید به حال خودشان است، هیچگاه خود را آن گونه که هستند نشان نمی دهند؛ بلکه نیمی از اقتصاد خود را که منفعت برای خودشان است آشکار می کنند و نیمه دیگر را برای تسلط بیشتر پوشیده نگاه می دارند. مطابق معنای خاص استحواذ نیز، کفار در هر حال خواهان اتصال اقتصادی با مؤمنین هستند تا بتوانند بر شاهرگ های اقتصادی ایشان تسلط یابند، لذا مؤمنین در هر معاهده ای باید اصل را بر عدم اعتماد بر ایشان بگذارند تا فریب نخورند.

۲. حدیث

از جمله مستندات روایی قاعده نفی سبیل حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که فرمودند: «الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعَلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفْرَانُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴: ۳۳۴). اسلام نسبت به سایر مکاتب و ملل، برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری و چیرگی ندارد و کافران به منزله مردگانند که نه مانع ارث می شوند و نه ارث می برند.

این حدیث از لحاظ سند مرسل بوده بدان معنی که بدون طریق معتبر و سلسله راویان به معصوم رسیده است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۴۳-۲۴۲) اما از منظر امام خمینی علیه السلام از مراسیل معتبره محسوب می شود (امام خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲: ۷۲۶) چراکه ایشان مشهور بودن حدیث را در میان قدمایی چون شیخ صدوق و نیز اینکه آن بزرگوار آن را به طور قطع به پیامبر اکرم نسبت داده است مایه جبران ضعف سند می داند (امام خمینی، ۱۴۲۸: ۳۴۷). همچنین حدیث: «الْحَقُّ يَعْلُو وَ لَا يُعَلَى عَلَيْهِ» (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۱۰؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۲۳) نیز مؤید معنا و ادعای قاعده و حدیث مزبور است.

بر اساس این روایت، اسلام و مسلمانان همیشه بالاتر از کفار و مشرکین و منافقین بوده و هیچ‌گاه تحت سلطه قرار نمی‌گیرند، یا نباید مورد سلطه قرار گیرند.

۳. اجماع

این موضوع مورد تأیید و اجماع محصل^۱ تمامی فقهای اسلام است که هر حکمی که چیرگی کفر بر اسلام و مسلمین را در پی داشته باشد، منتفی است (موسوی بجنوردی، همان: ۳۵۷) (حسینی مراغی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۲۱۴؛ جلائیان نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

۴. عقل

«عقل (مناسبت حکم و موضوع) نیز حکم می‌کند که تمامی احکام باید سبب عزت مسلمانان باشد» (موسوی بجنوردی، همان). از طرفی پذیرش چیرگی کفار بر مؤمنین، حرام، نافی عزت و در نتیجه ذلت و خفت مسلمین را در پی دارد حال آنکه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت به خداوند، رسول او و مؤمنان اختصاص دارد» (منافقون: ۸). در این مورد به حدیثی قدسی از نبی گرامی اسلام اشاره می‌شود:

«لیأذن بحرب منی من آذى عبدی المؤمن؛ با من اذن به جنگ داد کسی که بنده مؤمن ما را

اذیت کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱۰: ۱۱۴).

مصادیق تطبیق قاعده

مواردی چون آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (منتهایی، همان: ۱۵)، عدم ثبوت ولایت و تملک کافر بر مسلمان از طریق ضمان، وصیت، ودیعه و یا عدم ولایت بر اوقاف، احکام اموات و ... (مالمیر و محمد دخت، ۱۳۸۷: ۳۲)، نفی قانون کاپیتولاسیون، عدم جواز تولیت کافر بر اوقاف مسلمان (حسینی ترکستانی، همان: ۲۲۳)، منع تزویج زن مسلمان با مرد کافر، تحریم تنباکو که از سوی فقیه

۱. در مقابل اجماع منقول بوده و آن به معنای تحصیل یک مسئله توسط فقیه از طریق تحقیق در گفته‌ها و نوشته‌های فقها است. این نوع منبع، دلیلی مستقل نبوده فلذا حجیت ذاتی ندارد و زمانی معتبر خواهد بود که کاشف از قول معصوم باشد (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵۵-۲۵۴؛ تقوی اشتهاردی، ۱۳۷۷: ج ۳: ۱۳۸-۱۳۷؛ رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۷۴).

وقت میرزا محمدحسن شیرازی صادر شد که بر اساس آن «الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است» (نظرپور، وفا، ۱۳۸۲: ۶۲)، سقوط حق قصاص در صورت کافر بودن ورثه مقتول، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۷۳) فقط برخی از مصادیق عینی نفی سبیل و استیلاهی کفار بر مسلمین محسوب می‌شوند (ضیابخش، ۱۳۸۶: ۴۸) از طرفی مواردی چون خرید کالاهاهی کفار که افزایش قدرت آنان را در پی داشته باشد، اجازه برقراری پایگاه‌های نظامی، پذیرش سبک زندگی غربی و ... به این دلیل که اسباب سلطه کفار بر مسلمین را در ابعاد گوناگون فراهم می‌نماید، نیز از مصادیق قاعده نفی سبیل است.

تطبیق سیاست اقتصاد مقاومتی با قاعده نفی سبیل

از جمله مبانی مشترک اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی، قاعده نفی سبیل است. این قاعده با سیاست اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های اثرگذار آن ارتباط مستقیمی دارد چرا که هدف اساسی از اتخاذ این سیاست، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی کشور اعم از نیروی انسانی و امکانات مادی در جهت حفظ استقلال اقتصادی و مقابله با تهدیدات، تحریم‌ها و ترفندهای اقتصادی دشمن در جهت نفوذ و سلطه اقتصادی بر جامعه اسلامی است.

اقتصاد مقاومتی نه صرفاً اقتصادی اسلامی بوده که در شرایط خاص به‌عنوان راهبردی بلندمدت؛ صرفاً به دوران تحریم اقتصادی اختصاص داشته باشد، بلکه الگویی عملیاتی از اقتصاد اسلامی است که در آن هدف ثبات و امنیت اقتصادی، به‌عنوان هدف محوری موردتوجه قرار گرفته است (توکلی، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ لذا ضرورت دارد که به تطبیق مؤلفه‌های ده‌گانه این سیاست با قاعده نفی سبیل پرداخته شود:

۱. ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی نیز به وجود خواهد آمد. ایشان، در میان شاخص‌های مذکور، عدالت اجتماعی را مهم‌ترین شاخص معرفی می‌نماید؛ چراکه نظام اسلامی، رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم

به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد (بیانات در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22395>). از طرفی افزایش اشتغال را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت و پویایی اقتصاد کشور معرفی نمود. مقام معظم رهبری در طی سخنرانی‌های خود به راهکارهایی جهت تحقق این امر اشاره نموده که به ذکر مواردی از آن‌ها پرداخته می‌شود: ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار، برقراری نظام صحیح میان صنعت و دانشگاه، فرصت اشتغال‌زایی در فناوری‌های مجازی، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان، ایجاد بنگاه‌های کاری و تشویق کارآفرینان، خرید کالاهای داخلی توسط دستگاه‌های دولتی، راه‌افتادن کارخانه‌های نیمه‌تعطیل (بیانات در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، همان). قطعاً بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی از مصادیق اصلی قاعده نفی سبیل برای کاستن از فشار کفار بر مؤمنین و تقویت اقتصاد مسلمین در برابر معاندین است.

اصل باور به رزاقیت خداوند متعال از اصول و مبانی مهم این مؤلفه به شمار می‌رود. مطابق آیات: «نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (اسراء: ۳۱)، «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام: ۱۵۱) و «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۲). وعده رزق‌وروزی آدمی از جانب خداوند متعال به انسان داده شده است که البته این موضوع مشروط به تلاش آدمی جهت عمران و آبادانی زمین است که از تکالیف وی به حساب می‌آید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ؛ او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش طلبید» (هود: ۶۱).

۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا

عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی در اندیشه اسلامی ایمن‌سازی اقتصاد در برابر آسیب‌های بیرونی و درونی است که جهاد اقتصادی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمن‌ساز معرفی می‌شود. قرآن کریم، مقاومت را امری ضروری دانسته که غفلت از آن در زمین منجر به فساد خواهد شد:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛ آنان که گفتند: محققاً پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آن‌ها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از

وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شمارا به همان بهشتی که (انبیاء) وعده دادند بشارت باد (فصلت: ۳۰).

قرآن کریم مقاومت در برابر تجاوزگران و اشغالگران را ضروری و واجب شرعی اعلام می‌کند. بدین ترتیب، موضوع اقتصاد مقاومتی، باید بر اساس مقاومت در برابر تجاوزگران محقق شود، در صورت تحقق این مورد و تجهیز مؤمنین به سلاح صبر و ایمان است که نفی سبیل کفر بر ایمان تحقق پیدا می‌کند. امام علی علیه السلام صبر را از ارکان ایمان دانسته و آن را رأس و اساس ایمان معرفی می‌نماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛ بَرِّ شَمَا بَادَ بِهٖ شَكِيْبَايِيْ كِهٖ شَكِيْبَايِيْ اِيْمَانِ رَا چُون سَرِ اسْتِ بَرِّ بَدَنِ وَ اِيْمَانِ بَدُوْنِ شَكِيْبَايِيْ چُونان بَدَنِ بِي سَرِّ، اَرْزُشِيْ نَدَارِدُ» (نهج البلاغه، حکمت ۸۲).

در نظام اقتصادی اسلام در کنار توجه به رشد اقتصادی و عدالت، به هدف محوری امنیت و ثبات اقتصادی نیز توجه شده است. در باب اهمیت امنیت همین بس که قرآن مجید به عظمت شهر امن سوگند یاد نموده است (تین: ۳) و امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد (نور: ۵۵).

۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

اصل اتکا به خود و اجتناب از تکیه و اعتماد به اجانب (ر.ک: انعام: ۱۲۱) از اصول مسلم قاعده نفی سبیل است. «توجه به تولید ملی و افزایش آن [استفاده از نیروی انسانی و امکانات مادی کشور] به معنای خودکفایی در آن زمینه و دست یازیدن به استقلال اقتصادی است» (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۷۸) البته این به معنای رد قطع ارتباط اقتصادی با دیگر کشورها نبوده؛ بلکه برقراری هرگونه روابط تجاری با دولت‌های کفر جایز بوده مگر آنکه با قاعده نفی سبیل در تغایر باشد (جلالین‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۴۵؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۶۴).

که این مهم می‌تواند نفوذ دشمن را گرفته و ضعف‌های موجود در اقتصاد کشور را برای جلوگیری از رخنه اقتصادی کفار برطرف کند، لذا ارتباط تنگاتنگی با قاعده نفی سبیل دارد. مطابق فرمایش خداوند متعال:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَّا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطناً کافر محض‌اند) و خدا بر آن‌ها آگاه است (الأنفال: ۶۰).

این آیه مبارکه را باید اساس و سرلوحه اقتصاد مقاومتی به شمار آورد. اول آنکه خطاب آیه جنبه عام داشته و متوجه تمامی مسلمین است.

داشتن تشکیلاتی قوی، منظم و یکپارچه، از مصادیق بخش اول آیه یعنی اعداد من قوه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۵۱-۱۵۰). این واژه کوتاه اما پرمعنا نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی اعم از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که در مفهوم «قوة» مندرج هستند و به‌نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، اعم از نیروهای مادی و معنوی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۲).

۴. رویکرد جهادی

در ابلاغیه رویکرد جهاد در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این چنین آمده است:
لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند.
در اندیشه رهبر معظم انقلاب، جهاد، جایگاهی ویژه دارد. از نظر ایشان هدف از جهاد، اعتلای کلمه حق و عزت بخشیدن به امت اسلامی و مسلمانان است (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11834>). اهمیت مجاهدت تا حدی است که رهبری، آن را یکی از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی که پیامبر اسلام بنا نهادند، دانسته که عامل ایجاد تمدن اسلامی و استمرار آن تا قرون چهارم، پنجم و ششم شده است (ر.ک: بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>). مقام رهبری در تبیین این رویکرد فرمودند: «اجرای این سیاست‌ها، با

حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بدون حساسیت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است» (بیانات در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22395>).

احساس مسئولیت یکی از الزامات هر نوع جهادی است. از دید رهبر معظم انقلاب، انسان موجودی مسئول است و در برابر خود، خانواده و نزدیکان، سرنوشت کشور، جهان و همه انسان‌ها مسئولیت دارد. رهبر معظم انقلاب پس از بیان این مطلب، اینکه جهاد دفاعی است یا ابتدایی را بحث‌های فرعی می‌نامد و بحث اصلی را مطابق آیه ۷۱ سوره نساء، احساس مسئولیت بیان می‌کنند (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>). مطابق دیدگاه رهبری تلاش برای رسیدن به دستاوردها و حفظ آنها، از جمله سنت‌های الهی است. در واقع انسان با تلاش و مجاهدت خود به دستاوردهای مادی یا معنوی رسیده و آنها را حفظ می‌کند.

همه دستاوردهای بشر به تبع تلاش و پیگیری است؛ حفظ آنها هم به تبع تلاش و مجاهدت و فداکاری است. اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی یا سیادت سیاسی و اقتصادی پیدا کرده‌اند، ثروتمند شده‌اند و عزتی پیدا کرده‌اند، هرچه هست، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسلامی است که «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (اسراء: ۱۸) این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند. آن کسانی که دنبال ارزش‌ها هستند و دنیای ارزشی را که همان آخرت است و آخرت الهی را که همان ثواب الهی است، می‌خواهند، آنها هم همین‌طورند؛ «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹) بعد می‌فرماید: «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهَؤَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» (اسراء: ۲۰)؛ ما همه را کمک می‌کنیم؛ اینها را و آنها را. هرکس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خدا به او کمک می‌کند. تلاش، معیار و میزان برای به دست آوردن دستاوردهاست (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3222>).

نفی سبیل از کفار دشواری‌های فراوانی دارد و هر اقدامی در حوزه مشکلات و موانعی مستحکم و البته نیروی انسانی جهادگر و پرتلاش نیاز دارد، کفاری که همیشه مترصد

سوءاستفاده از مشکلات و ضعف‌های اقتصادی مؤمنین هستند، هرگز حاضر نخواهند شد به راحتی در برابر اقتصاد درون‌زای مسلمین تسلیم شوند.

۵. مردم محوری

از نظر مقام معظم رهبری و بر اساس معارف اسلامی و دینی و همچنین بر اساس تجربیات ۳۵ سال اخیر، در هر عرصه‌ای که مردم وارد میدان شوند، عنایت و پشتیبانی الهی نیز همراه می‌شود و کارها به پیش خواهد رفت (بیانات معظم له در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22395>) و از آنجایی که آیه ۱۴۱ سوره نساء مخاطب خود را مؤمنین قرار داده؛ لذا اولویت افراد بر حکومت‌ها در نفی این سلطه و مردمی بودن این اقدام قابل برداشت است. پرداختن به اشتغالات خاص اقتصادی یکی از موارد چنین اصلی بوده که هر شخص باید بنا بر توانایی و شرایط محیط به اشتغال بپردازد: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأْمُسُوا فِي مَنَاجِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵).

در سیره امام علی علیه السلام نیز فرهنگ کار و تلاش که ارتباط تنگاتنگی با مسئله تولید دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن حضرت به طور مستمر، مردم را به فعالیت‌های اقتصادی از جمله تجارت، خدمات و کشاورزی تشویق می‌کردند؛ تا جایی که حضرت در نامه‌ای به مالک‌اشتر در حمایت از فرهنگ کار و تلاش چنین می‌گوید:

اما باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج، چون خراج بدون آبادانی به دست نیاید و آن که بدون آبادانی خراج مطالبه کند، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و حکومتش چند روز بیش نپاید؛ بنابراین، اگر مردم از سنگینی مالیات یا آفت‌زدگی یا قطع سهمیه آب یا خشکسالی یا دگرگونی وضع زمین بر اثر غرقاب، یا بی‌آبی شکوه کردند، به آنان تا هر قدر که فکر می‌کنی موجب بهبود وضعیتشان خواهد شد، تخفیف بده و مبادا این تخفیف بر تو گران آید، زیرا این کار، اندوخته‌ای است که در آبادانی کشور تو و آراستن ولایت به تو باز می‌گردد. افزون بر اینکه ستایش آنان را به خویش جلب کرده‌ای و خود نیز از گسترش عدالت در میان آنان به شادی و سرفرازی رسیده‌ای، درحالی که به سبب رفاه و آسایشی که برای آنان فراهم آورده‌ای

به توانمندی بیشترشان تکیه خواهی کرد، و به موجب عدالت و رفتار خوشی که آنان را بدان مأنوس کرده‌ای به آنان اطمینان خواهی یافت (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۳۶).

۶. تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی به‌ویژه غذا و دارو و خودکفایی در این اقلام

مقام معظم رهبری در تبیین این مورد فرمودند:

مسئله ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه تغذیه و در زمینه دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاست‌هایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت‌کننده مورد توجه قرار بگیرد (بیانات معظم له در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22395>).

قاعده نفی سبیل قاعده ایست کلی و همه ابواب فقهی را شامل می‌شود پس انحصار آن به چند موضوع شایسته نیست، لذا مصادیق فراوانی برای این قاعده وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد، اما بر اساس حکم عقل، ضروری است این مصادیق اولویت‌بندی شده و نیازهای ضروری و راهبردی جامعه مؤمنین در اولویت قرار گیرد تا در مواجهه با کفار کالاهای اساسی مورد طمع ایشان قرار نگیرد.

۷. کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت

برای اجرایی‌شدن این مؤلفه باید اصلاحات مرحله‌ای را در ابتدا از کاهش وابستگی بودجه جاری دولت به نفت آغاز کرد و سپس مرحله‌به‌مرحله جذب نفت را در صنعت داخلی افزایش داد. همچنین ساختار درآمدی دولت را هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات ارتقا داد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد (دانش جعفری و کریمی، ۱۳۹۳: ۳۳).

نفت یکی از مواهب الهی است که بهره‌گیری از آن برای حکومت‌های اسلامی ضروری است. باین‌حال وضعیت کنونی بازار خریدوفروش نفت، آن موهبت را به کالایی استعماری و موجب استثمار کشورهای دارنده نفت قرار داده است، بازاری که مطالعه، اکتشاف، انتقال، حمل‌ونقل، قیمت و فراوری آن در موضوع نفت، تا حدود بسیاری در اختیار کفار و مشرکین قرار دارد و

کشورهای اسلامی با وجود داشتن این موهبت به‌خاطر این وضعیت، ناتوان از تسلط بر آن هستند، لذا بر اساس قاعده نفی سبیل حکومت‌های مسلمین باید از وابستگی بودجه‌های جاری خود به نفت بکاهند تا بتوانند به‌مرور تسلط خود را بر این موهبت‌ها فراهم نمایند.

کار و عمل اقتصادی به‌عنوان یکی از اصول اساسی تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند تا منابع و ثروت خدادادی که مطابق قرآن کریم به‌وفور در اختیار انسان قرار داده شده است (ر.ک: هود: ۶۱؛ نحل: ۱۴؛ قصص: ۷۳؛ جمعه: ۱۰؛ ملک: ۱۵) با تلاش آدمی جهت بهره‌گیری بهتر تغییر پیدا کرده تا ارزش‌افزوده‌ای بیش‌ازپیش پیدا کند. براین‌اساس صرف خام‌فروشی نفت و دیگر منابع و معادن، عمل اقتصادی در راستای تحقق ایده اقتصاد مقاومتی به‌حساب نمی‌آید.

۸. اصلاح الگوی مصرف

مسئله اسراف و مصرف بی‌اندازه از موانع تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی است (ر.ک: انعام: ۱۴۱؛ اعراف: ۳۱). ممنوعیت انحصار ثروت ملی از مصادیق دیگر تحقق این مؤلفه است؛ چراکه خلاف اصل عدالت بوده و از آنجاکه اقتصاد مقاومتی سیاستی مردم‌محور است فرصت و زمینه اقدام و عمل را از دیگران سلب نموده، پیامدهایی چون اتراف، رباخواری و تکاثر را در پی داشته و در نتیجه مشارکت مردمی کاهش می‌یابد (توبه: ۳۴؛ حشر: ۷؛ حدید: ۲۵، ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۴۵). از دیدگاه مقام معظم رهبری، «منظور از اصلاح الگوی مصرف سخت‌گیری و زندگی ریاضتی نیست؛ بلکه هدف، مصرف بر اساس الگویی عاقلانه، مدبرانه، صحیح و اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22395>).

مولای متقیان امام علی علیه‌السلام در مورد لزوم صرفه‌جویی و اعتدال در مصرف، به‌ویژه برای مسئولان جامعه می‌فرماید:

بر رهبران، حق است که در خوراک و پوشاک همانند ضعیف‌ترین مردم رفتار نمایند، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند برخوردار نباشند، تا فقرا با دیدن این رهبران، در آنچه هستند، از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضعشان بیشتر شود (محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۲۳).

آیه معروفی در این زمینه وجود دارد که به انسان‌ها توصیه کرده: بخورید و بیاشامید؛ اما اسراف نکنید. این آیه نشان‌دهنده رویکرد مصرف در عرصه اقتصاد است. تأکید اسلام بر این که «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» باید سرلوحه زندگی مؤمنانه باشد، سیاستی است دائمی برای نفی سلطه کفار بر مؤمنین در تمامی امور زندگی؛ لذا اصلاح الگوی مصرف علاوه بر آنکه آسیب‌های جامعه اسلامی را در برابر کفار کاهش می‌دهد می‌تواند به‌عنوان مصداقی از قاعده نفی سبیل عامل عزت مسلمین در برابر کفار باشد.

۹. فساد ستیزی

مفهوم کلمه فساد از نظر لغوی مرادف با خلاف صلاح است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳: ۱۲۱)؛ لذا این پدیده از شمول دامنه‌داری برخوردار بوده و بر موضوعات بسیاری صدق می‌کند همچون فساد مالی، فساد اداری، فساد سیاسی، فساد اجتماعی، فساد فرهنگی و ... (پژوهنده، ۱۳۹۴: ۲۲۲). قرآن کریم منشأ همه فسادها و طغیان‌ها را استغنا می‌داند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا غَافِلٌ إِنَّهُ اسْتَغْنَى؛ همانا انسان، هرگاه خود را بی‌نیاز دید، طغیان و سرکشی می‌کند» (علق: ۶).

از جمله موارد فساد اقتصادی، رشوه است که اسلام به‌شدت با آن به مبارزه برخاسته است و آن باعث افزایش هزینه‌های تولید در مراحل اولیه می‌شود. از نظر فقهی مال رشوه را نمی‌توان مالک شد و در احادیث نبوی از دو طرف رشوه به‌عنوان ملعون نام‌برده شده. چنان‌که در حدیث متواتر از پیامبر اسلام ﷺ آمده است که فرمود: «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و دلال رشوه را» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۶۶). انحصار ثروت ملی که پیامدهای مخربی مانند: تکاثر، اتراف و رباخواری را در پی دارد (حدید: ۲۵؛ توبه: ۳۴؛ بقره: ۲۷۶-۲۷۵، ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۴۵)، از جمله موانع رشد و تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی و در نتیجه اشاعه فساد و تباهی است.

از آنجایی که فساد جامعه اسلامی باعث ضعف بنیه اقتصادی شده و زمینه تسلط اقتصادی کفار و مشرکین بر اقتصاد مؤمنین را فراهم می‌کند؛ لذا طبق قاعده نفی سبیل، فساد ستیزی جزء لاینفک جامعه اسلامی است.

۱۰. دانش محوری

مقام معظم رهبری در این راستا معتقدند که بخش‌های حساس و مهم اقتصاد مانند بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که مهم و دارای اهمیت است، باید دانش‌بنیان بشود. به اعتقاد ایشان: جوان‌های ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که می‌توانند نوآوری کنند، می‌توانند ما را از آن سطحی که در فناوری داریم بالاتر ببرند. خب، این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دو هزار کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج‌متر به هدف بخورد؟ خب آن مغزی که می‌تواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم می‌تواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفتی بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم بشود، یا موتور قطار را به فلان شکل به وجود بیاورد؛ می‌توانند. همین‌الان در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی وجود دارند که کارهایی که آن‌ها انجام می‌دهند و تولید می‌کنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آن‌ها است؛ همین‌الان داریم؛ خب این‌ها را باید تقویت کرد. پس بنابراین دانش‌بنیان‌شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد (بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی، ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>).

در روایات ما نیز علم به‌عنوان سلطان معرفی شده است از جمله از مولای متقیان نقل شده که فرمودند: «العلم سلطان، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحاً بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحاً عَلَيْهِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰: ۳۱۹). علم قدرت [سلطه آور] است هرکس آن را بیابد به‌وسیله آن برتری می‌یابد و هرکس آن را نیابد بر او غلبه پیدا می‌شود.

لذا علم همان‌طور که می‌تواند باعث تسلط بر دیگران شود، می‌تواند باعث سلطه بر جامعه اسلامی شود؛ لذا دانش‌بنیان‌شدن فعالیت‌های مؤمنین از جمله در حوزه اقتصاد ضرورتی انکارناپذیر است.

نتیجه‌گیری

نفی سبیل از جمله قواعد منصوص فقهی بوده که از منظر مشهور فقها مستند به ادله اربعه (آیات قرآن، اخبار مستفیض و اجماع) است. تمامی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و ... موارد کاربرد این قاعده مهم و اساسی را در بر می‌گیرد. بعد اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعادی

است که ایادی کفر به‌ویژه در عصر کنونی با حربیه‌هایی چون تحریم اقتصادی درصدد نفوذ، اختلال و نهایتاً سلطه بر دولت اسلامی و مسلمانان برآمده است. رهبر انقلاب اسلامی برای مقابله با این حربیه، سیاست اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان نسخه‌ رهایی‌بخش از تحریم‌های اقتصادی دشمن ارائه نموده و جهت پیاده‌سازی این سیاست، مؤلفه‌های مهم اثرگذار آن را نیز تبیین و تشریح نموده‌اند. اقتصاد مقاومتی سیاستی است که هدف نهایی آن استقلال اقتصادی و مقابله با تحریم‌های اقتصادی دشمن بوده و تحقق مؤلفه‌های آن مصداق واقعی نفی سبیل کفار بر مؤمنین در حوزه استقلال اقتصادی و به تعبیری از مقدمات واجب آن است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبۀ الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغۀ لابن ابی الحدید، ج ۲۰، قم: مکتبۀ آیۀ الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضاؑ، ج ۲، تهران: نشر جهان.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۷، بیروت: دار صادر، ج ۳.
- آجیلی، هادی (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و چهارم.
- احسانی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق)، عوالی اللالی، قم: سید الشهداء.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، ج ۲ و ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیؑ.
- _____ (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیؑ.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۸ق)، کتاب المکاسب، ج ۳، قم: مؤسسه الهادی.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ بجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
- بونارو، هاری (۱۳۵۲)، سلامت روح، ترجمه محمد حجازی، تهران: ابن‌سینا.
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۹۴)، «موانع تحقق اقتصاد مقاومتی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و یکم، شماره سوم.
- ثعالی، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جرّ، خلیل (۱۳۷۹)، المعجم العربی الحدیث، تهران: امیرکبیر.
- جلائیانیا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۴)، «حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سبیل»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و یکم، شماره دوم (پیاپی ۱۰۵).
- حاجی علی، فریبا (۱۳۸۶)، تأملی بر آیۀ نفی سبیل با تأکید بر مفهوم واژه «سبیل»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره دوم.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۳۸۸)، العناوین الفقهیة، ترجمه و شرح عباس زراعت، تهران: جنگل، چاپ دوم.

- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- حلی، ابوالقاسم (۱۴۱۲ق)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت: دارالزهراء.
- دانش جعفری، داود و کریمی، سمانه (۱۳۹۳)، «نفث، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره هشتم.
- رازی، ابوالفتح، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
- رضایی، مجید و هاشمی، سید محمدعلی (۱۳۹۱)، «بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام»، پژوهش‌نامه متین، سال چهاردهم، شماره ۵۷.
- شریفی، فرزانه (۱۳۹۱)، «مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی»، پایگاه خبری، تحلیلی صراط: seratnews.ir.
- ضیابخش، علی (۱۳۸۶)، «قاعده نفی سلطه»، معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۵.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶ و ۴، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۱ش)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ترجمه و شرح احمد غفاری مازندرانی، ج ۳، تهران: مرتضوی.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: داوری.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، قواعد فقه، ج ۳ (بخش حقوق عمومی)، تهران: سمت.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: مهر.
- فلسفی، پیمان و همکاران (۱۳۹۵)، *واکاوی اقتصاد مقاومتی در آیات و روایات اسلامی*، به نقل از پایگاه تحلیلی تبیینی برهان: borhan.ir.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، ج ۱، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)*، ج ۵، تهران: المکتبه الإسلامیة.

- مالمیر، محمدابراهیم؛ محمد دخت، اعظم (۱۳۸۷)، «آیه نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۱.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط- بیروت)، ج ۱۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۸ق)، العناوین الفقهیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- منتهایی، عباس (۱۳۸۹)، «نفی سبیل؛ قاعده اساسی در نظام حقوق اسلامی»، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۸.
- موسوی یجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، تهران: انتشارات عروج، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۹ق)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- نظرپور، مهدی و وفا، جعفر (۱۳۸۲)، آشنایی با نظام سیاسی اسلام، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.